

سخنان نوراله گبای در مجلس گردهم آئی سازمان بانوان یهودی ایرانی

جهت معرفی کتاب ایشان، به نام «لحظاتی برای تفکر»

نهم دسامبر ۲۰۰۹ بوری هیلز هتل بوری هیلز کالیفرنیا

در تاریخ بشر پرثمرترین تحولات سازنده در نقاطی روی داده است که فرهنگ‌های ارزشمند باهم مواجه و ادغام شده‌اند که نمونه بارز آن آمریکای جوان است.

جامعه ما بعد از تحمل محرومیت‌های گوناگون به چنین موقعیت بی نظیر و امکان بهره برداری از آزادی موجود دست یافته و با توجه به مسئولیت و رسالت خویش، امیدوار است بتواند ضمن حفظ فرهنگ اصیل خود، از طریق کسب آگاهی صحیح روز، تصمیمات درستی در جهت ترقی و سعادت امروز و فردای جامعه اتخاذ نماید. تا نسل آینده بتواند بقدر استعداد و استحقاق زمان خود، از مزایای تمدن روز بهره مند گردد.

بدون شک یکی از مسائلی که در پیش رو داریم، از میان برداشتن دوگانگی‌های دینی بدون سابقه در جامعه، از جمله تبعیض بین زن و مرد، به استناد کتب مفسرینی است که تعصب را با ایمان اشتباه گرفته‌اند.

با افتخار به دین و عقاید اجدادی خود و دفاع از آنها، می‌گوییم قوانین افتخار آمیز عقلانی مذهبی ما ابداً به حقارت برداشتها و تفسیرات بعضی از مفسرین نزدیک بین حال و گذشته نیستند که اینان از یک سو با افتخار، طبق امر تو را بگویند تو را در ابتدا به بانوان ارائه گردیده، از سوی دیگر بنا به استدلال‌ات نامعقول بگویند زن حق ندارد به تو را حتی به پرده جایگاه تو را دست بزند و دختر مانند پسر، بت میتصوا گردد و به مرد دست بدهد و ناگفتنی‌های تحقیر آمیز دیگر، این گونه اعتقادات غیر منطقی است که مانع شناخت واقعیت‌ها و قبول ایمان کور کورانه می‌گردد و نمی‌گذارد افراد تسلیم عقل و منطق گردند، و گر نه شان اجتماعی و ارج فرهنگی و منش اجدادی ما شایسته پیروی از موهومات واپس گرایان نیستند که پنجاه درصد افراد ارزشمند جامعه را تحقیر کنند، و آن را شرعی جلوه دهند!

قرن‌هاست با زده دو بینی‌ها و دوگانگی‌های فتنه انگیز کوچک و بزرگ دینی ادیان، در سطح جهانی مشکل آفرین بوده‌اند تا اینکه اخیراً گروهی از رهبران متمدن ادیان دنیا درک کرده‌اند. خواستن توانستن نیست، بلکه فراهم آوردن امکانات توانستن است که خواسته‌ها را میسر می‌کند، برای فراهم آوردن چنین زمینه‌ای چند سال است به امید از میان برداشتن علت تبعیض‌ها، با حسن نیت، زیر پرچم سازمان ملل و سایر سازمان‌های متعدد بین المللی، از جمله حقوق بشر، گفتگوی تمدن‌ها، گفتگوی بین ادیان، جلساتی با حضور نمایندگان عالی مقام مذاهب دنیا از جمله واتیکان، الازهر و بانیم آگاه تشکیل می‌گردد، ولی شکست خورده جلسات را ترک می‌کنند.

آیا دنیا توجه دارد چرا به نتیجه‌ی مطلوب نمی‌رسند؟ و تبعیضات در حال تکرارند؟ چون هر کدام از نمایندگان ادیان کتاب هائی زیر بغل دارند که می‌گوید دزدی مکن، قتل مکن، به حق دیگران تجاوز مکن، ولی قتل و غارت و تجاوز به افراد دگراندیش یا فلان قوم و قبیله، نه تنها مانعی ندارد بلکه ثواب هم هست!

از همین نقطه است که بذرنفرت و ستیز انسان با انسان که یهودی ستیزی را نیز شامل می‌شود ریشه می‌گیرد و رشد می‌کند و هر روز شعله‌های هزاران ساله آنرا در داخل و خارج خانه‌های معتقدین به این کتاب‌ها می‌بینیم و درمی‌یابیم

که کتاب های مذهبی در صورتی می توانند دوست بشر باشند که کور کورانه از آنها اطاعت نشود، و گرنه همانطور که تاریخ دیروز و امروز نشان می دهد همه آتش افروزان و افراطیون ادیان دنیا آنان بوده و هستند که به گمان باطل خود می خواهند دستورات را عیناً عمل کنند، ولو آنکه خلاف عقل و وجدان باشد.

افسوس که حتی فرقه های متعدد منشعب از یک دین مشترک هم، با توجه به کتاب های مورد قبول طرفین، با الهام گرفتن دستور تعدی به غیر، حتی از ظلم به یکدیگر تحت عنوان خودی و غیر خودی ابائی ندارند. آری تا علت ها فاش نگردند معلول از بین نخواهد رفت و تا شهادت اقرار به اشتباه در میان نباشد، جرأت گفتن در میان نخواهد بود، در صدد انکار واقعیات ها نباشیم، اقرار به اشتباه نشانه ی دانایی و شایستگی است.

بزرگی و محبوبیت جهانی اینشتین، علاوه بر مقام علمی او، وقتی عالم گیر شد که در دهه ۱۹۵۰ بعد از مطالعه نظریات آقای هابل در مقابل دانشگامیان ایستاد و گفت "من درباره فاصله بین کرات اشتباه کردم نظرها بل درست است" اینجا بود که دنیا فهمید با انسانی واقع بین روبرو است. مشکلات جهانی که ریشه در مطلق گرایی ادیان دارند هرگز از میان برداشته نخواهند شد، مگر آنکه همه دولت ها زیر نظر سازمان ملل، کتب نفرت انگیز دینی و درسی مدارس سراسر جهان را کنترل کنند و همگان به اختفای علت های کوچک و بزرگ دینی و تبعیضات بین خودی و غیر خودی پایان دهند و درک کنند که همین دوگانگی های دینی و فرقه ایی است که دنیا را ناامن کرده و روبرو به ویرانی می برد. و دنیا توجه ندارد تاروژی که او امر و قوانین ادیان از صافی علم نگذرند و به حاکمیت عقل و وجدان به اجراء در نیایند، آرامشی در جهان نخواهد بود.

آری به شرط تاریکی نمی توان روشنائی ایجاد کرد و به شرط حفظ نفرت نمی توان محبت کرد و به شرط مخفی کردن علت ها، نمی توان مشکلات را از میان برداشت چنانکه طی هزاره ها نتوانسته اند، چون در هر زمان و مکانی می توان، هر فرد یا گروهی را طبق نوشته های همه ادیان، خودی یا غیر خودی دانست و آنها را طبق احکام از قبل تعیین شده کتاب ها، مورد ظلم و تبعیض قرار داد. و آن را ثواب پنداشت.

آیا با مراعات مجازات های کور کورانه از قبل تعیین شده ادیان، حقوقی برای بشر می ماند که بخواهند آنرا مراعات کنند؟ کدام حقوق؟ آیا برای کسانی که به پیروی از کتاب خود، حق حیات برای دیگران قائل نیستند می توان حقوقی قائل شد؟ آیا رعایت حقوق یک گروه بدون حفظ حقوق گروه های دیگر را می توان دینداری و پیروی از حقوق بشر نامید؟ به اخبار و دنیای اطراف خود و بدبختی های مکرر داخلی و خارجی پیروان ادیان دنیا توجه کنید تا حقیقت را دریابید و ببینید مشکلات از کجا سر چشمه گرفته اند و از کجا تغذیه می شوند و ایگال امیرها از کجا پدید آمده اند؟

دوستان: بهترین دلیل صحت هر ادعائی تحقق آن است، آیا ظلم های تاریخی دینی، بر علیه خودی و بیگانه، از جمله قتل شادروان اسحق را بین، تحقق ادعای به جا آوردن گفته ها نبوده است؟ سر به زیر برف کردن تا کی؟ نمی توان یک گروه را مقصر دانست، ریشه ها را خشک کنیم.

ارزش هر دینی به ارزش فکری افرادی است که آنها به فرزندان جامعه ارائه می کنند، پدر مادران نا آگاه به همراه مدرسین کوته بینند که در تمام خانواده ها و مدارس افراطی ادیان، موهومات نفرت انگیز را تدریس و تلقین می کنند. گفته خواهد شد مقصر کیست؟ همه آنها که طبق باورهای منسوخ خود می خواهند دارو هائی که تاریخ مصرف آنها منقضی شده اند را به پیروان خود بخورانند. که مبادا موهومات به نسل بعد نرسد! مبادا!

چه غمناک است که گروهی مهملات منتسب به ادیان را شرعی پنداشته و به گمان ثواب، به مروجین واپس گرایی کمک می کنند و نمی خواهند بدانند برای ستیز با تاریکی نمی توان به موجبات تاریکی کمک کرد و برای محو تاریکی، نمی

توان با تاریکی جنگید، بلکه باید چراغی برافروخت و برای مقابله با هر فرهنگ خطائی لازم است فرهنگ غنی تری منطبق با فرهنگ و تمدن روز ارائه گردد نه تکرار مکررات و تحمل نسل اندر نسل بدبختی های منتسب به دین، بشر برای یادگیری محبت و یاد دادن به دنیا آمده نه برای تکرار اشتباهات. تظاهر به تساوی حقوق و مساوات توسط ادیان گوناگون، در عین باور به تبعیضات بین خودی و غیر خودی، زن و مرد چیزی جز حجابی ظاهری بر چهره حقایق نبوده و نیست. و همین دوگانگی ها و دورویی هاست که می بینیم جوامع را به مکان هائی کشانده که لیاقت ایشان نیست. بیائیم بجای به شکل و شمایل و عمل در آوردن افکار افراد به زمان وضع قوانین، قوانین و پیروان را به فهم زمان اجراء در آوریم.

با کمال افتخار به هویت دینی اجدادی خود، حفظ و تدریس کنیم آنچه را که با عقل و تمدن روز سازگار است به دوران دازیم تفسیرات نزدیک بینان را که گفته اند پیش پای خویش دیدن راه ما را دور کرد.

رسم تبعیض در تاریخ بشر، از تضادهای و دوگانگی های بین ادیان و فرقه ها سرچشمه گرفته است این در حالی است که تورات مقدس با دوراندیشی در سفر دوا ریم باب ۱۷ می فرماید:

”اگر واقعه ای در میان شما اتفاق افتاد که قضاوت درباره آن مشکل باشد، نزد قاضی وقت بروید تا ایشان قضاوت کنند و قضاوت ایشان را بپذیرید.“

آری ۳۳۰۰ سال قبل با پیش بینی زمان های آینده به ما دستور داده اند، قضاوت قاضی وقت را قبول کنید. قاضی وقت از زمین یا از آسمان ها نخواهد آمد و در تورات هم چنین وعده ای داده نشده است، قاضی وقت یعنی تمدن روز، قاضی وقت یعنی انعطاف پذیری، یعنی تطبیق با زمان اجرای اوامر، یعنی هم گام با زمان و علوم روز بودن. از آنها که حذف سنت ها و تفسیرات ناخوانا با علوم و فهم تمدن روز، از جمله زن ستیزی و خود گول زدن های گوناگون نگفتنی را موجب تضعیف دین می پندارند تقاضا دارم بروند دلائل مشمول زمان گردیدن ۳۲۳ فرمان از ۶۱۳ فرمان را مطالعه کنند تا دریابند همه گل ها ماندنی نیستند و آنها را نمی توان حفظ کرد، عطر آنها را حفظ می کنند که بتوان در هر مکان و زمانی از آنها بهره مند گردید.

این ارزشمندی و بزرگی دین ماست که اصول غیر قابل اجرا را مشمول مرور زمان نموده، و به حکم زمان، باز هم خواهد نمود. در صدد انکار واقعیات نباشیم، جوامع و مذاهبی ماندنی خواهند بود، که به حکم تکامل، همگام تمدن و علوم روز گردند نه آنکه به گمان باطل خود به عنوان حفظ هویت در مقابل آن قرار گیرند.

قوانین اساسی تورات مقدس چنان است حکامی دارند که چنانچه نود و نه درصد از کل ۶۱۳ فرمان یا اصل، همانند ۳۲۳ فرمانی که تا کنون مشمول مرور زمان شده اند، ضرورت یا اعتبار اجرایی خود را از دست بدهند. مراعات همان یک درصد باقی مانده، حاوی ده فرمان و دستور جهانی هم نوعت را مانند خودت دوست بدار قادر خواهند بود دنیا را به سوی صلح و شادی سوق دهند.

واژه های دینی صرفاً یک وسیله انتقال معنا بوده اند، بهتر است هر نسلی توجه خود را به بار علمی، عقلانی و عاطفی این فرامین به شیوه ای که امکان اجرا در زمان خود دارند معطوف دارند، نه آنکه پوسته تهی کلمات را بدون درک، هدف و معنا، فارغ از عقل و وجدان تقلید و تکرار کرده، آنرا دینداری پنداشت. دیندار نا آگاه دیندار نیست سر بار است. صائب می گوید:

گر به عمامه کسی کوس فضیلت می زد گنبد مسجد شاه از همه فاضل تر بود

متهم کردن یک گروه نیز راه چاره درد نیست، همه منابع تولید تبعیض و تنفر ادیان را باید شناخت و مضمون مرور زمان نمود و گرنه پایانی بر این دور تسلسل باطل در میان نخواهد بود و خشک و تر خواهند سوخت.

مارک تواین گفته بود: "آن بخش از نوشته‌های مذهبی که معنی آنرا نمی‌فهمم ناراحت‌کننده نمی‌کند، بخش‌هایی که آنها را ترجمه کرده‌اند و معنی آنرا می‌فهمم ناراحت‌کننده می‌کند." از تاریخ درس عبرت بیاموزیم چون:

هر که ناموخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

جوامع بشری به حکم زمان بهتر است اینگونه بخش‌های مشکل‌آفرین را، قبل از دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی محترمانه به تاریخ بسپارند. جوامعی سربلند خواهند بود که با تمدن روز صلح کنند نه آنکه تحت عنوان ساختگی حفظ هویت! در مقابل آن قرار گیرند. و گرنه (جوامع) قایق‌هایی که نتوانند بادبان‌های خود را عاقلانه با مسیر وزش بادهای متغیر تطبیق بدهند غرق خواهند شد. قعر اقیانوس‌ها مدفن میلیاردها قایق و مسافرانی است که نتوانستند، فارغ از دین و مرام یا پیشرفت زمان همدل و همگام گردند.

صلح جهانی نیز بدون صلح بین ادیان امکان‌پذیر نخواهد بود و صلح بین ادیان هم تا هنگامی که دستورات تبعیض‌آلود دوگانه کتاب‌های ادیان مبنی بر تبعیض بین خودی و غیر خودی، هم‌فکر و دگراندیش، مراعات می‌شوند. هرگز به وقوع نخواهد پیوست و گردونه وحشت هم چنان خواهد چرخید و قربانی خواهد گرفت. به طوری که می‌بینیم آرامش هر دوره‌ای فقط آرامشی بوده برای تجدید قوای اهریمنان این نسل تا نسل بعدی، میان این یورش، در این نقطه از دنیا، تایورش بعدی در گوشه‌ای دیگر از دنیا، زمانی با قلاب سنگ، زمانی با هواپیما، زمانی بر علیه غیر خودی، زمانی پایان‌ناپذیر بر علیه خودی، دنیا را نگاه کنید. در اینجا گفته خواهد شد، انتقاد زمانی پذیرفته و سازنده خواهد بود که همراه با ارائه راه حل عملی باشد. راه چاره کدام است؟ به مصداق آنکه اگر همه مردم شهر جلو خانه خود را تمیز کنند تمام شهر تمیز خواهد بود.

تنها راه عملی و عقلانی، برای رفع بیماری مزمن و واگیر تبعیضات دینی، پاک‌نگه داشتن ذهن یکایک افراد، بویژه کودکان و مدارس مذهبی دنیا، از نفرت دوگانگی و خشک‌اندیشی دینی است، این کار به قهر زمان با پرداخت جریمه‌های سنگین، عملی خواهد شد به گمان باطل حفظ هویت به تأخیر آن کمک نکنیم، بالاخره با هدایت وجدان، عقل و ایمان آشتی خواهند کرد. آنها که هر خوب و بد دینی را حفظ هویت مذهبی می‌نامند داوطلبین ناآگاه تبعیضند، چون هویت هیچ بشری هویت دینی او نیست، هویت هر فردی تنها و تنها هویت انسانی اوست چون ابتدا باید انسان بود بعد کسب هویت و اصالت دینی و خانوادگی نمود.

گبریئل گارسیا مارکز برنده جایزه نوبل می‌گوید: در ۵۰ سالگی پی بردم که کتاب بهترین دوست انسان است و پیروی کورکورانه از آن بدترین دشمن او. در ۷۰ سالگی یاد گرفتم که موفقیت در زندگی مسئله در اختیار داشتن کارت‌های خوب نیست، بلکه موفقیت در خوب بازی کردن با کارت‌های بد است. دنیا آبستن حوادث است باید بیدار بود تا درست بازی کرد. اگر کتاب‌ها را نمی‌توانیم به زبان و فهم روز در آوریم، فرزندان را آماده فهم علم و تمدن روز کنیم تا بیدار باشند که بتوانند بهتر بخوابند.

عرایض خود را در حالی که به گفته اقبال لا هوری هزار باده نخورده در رگ تاک است، با یادی از روان شاد حاخام دیدی‌با به پایان می‌رسانم که به لهجه کاشی می‌گفتند: نه کنید آقا نکنید، تبعیض قائل نشید تا رسم تبعیض ور یافته...